

تاریخ جراحی

فرانسه

برگرفته از کتاب تاریخ مصور جراحی

دکتر مصطفی جابرانصاری*

دومینیک ژان لری (1842 - 1766 میلادی، Dominique Jean Larry) جراح برجسته فرانسوی در عصر ناپلئون بود که در مقام جراح ارشد ارتش ناپلئون اول خدمت می‌کرد. لری در روستای بادن (Baudean) واقع در ناحیه پیرنی (Hautes Pyrenées) به دنیا آمد و در سن سیزده سالگی یتیم شد. تحت نظارت و مراقبت عمومی خود که جراح ارشد بیمارستانی در تولوز (Toulouse) بود، لری مدت 6 سال به تحصیل پرداخت و به مقام جراحی دست یافت. در سال 1786 میلادی با هدف تکمیل تحصیلاتش تحت نظارت دسا به پاریس رفت و در آن شهر اطلاع یافت که جهت انتخاب دستیار جراحی در نیروی دریایی فرانسه امتحان ورودی (کنکور) برگزار می‌شود. لری در آزمون یاد شده شرکت کرده و به عنوان یکی از نفرات برگزیده پذیرفته شد. لری در مقام جراح از چنان آمادگی برخوردار بود که ماموریت تا آن زمان بی‌سابقه جراحی ارشد ناو جنگی ویزیلان (Vigilanté) به وی اعطا شد. کشتی یاد شده سفر دور و دراز و خطرناکی به آمریکای شمالی داشت که لری در مکتوبات آتی خود به روشنی آنها را توصیف نموده است. لری پس از بازگشت به پاریس تصمیم گرفت آموزش‌ها و تحصیلات خود را کامل نماید و برای مدت سه سال در مقام دستیاری نزد دسا و ساباتیه (Sabatier) خدمت کرد. با آغاز جنگ در سال 1792 میلادی، لری استادیار جراحی شده و به سپاهیان فرانسه که در کناره رود راین مستقر بودند پیوست. پس از مدت کوتاهی وی نیاز به سیستم بهتری برای حمل و نقل مجروحین را احساس نمود و پیشنهاد مهم خود درباره ساخت آمبولانسی با قابلیت جابجایی کافی و توان حضور در خطوط مقدم جبهه نبرد را ارائه کرد. این به اصطلاح آمبولانس پرنده که ارائه کمک‌های اولیه در میدان نبرد را ممکن می‌ساخت، به شهرت و اعتبار لری به عنوان یکی از بزرگترین جراحان نظامی تاریخ جراحی افزود. با افزایش شهرت و اعتبار لری، وی در مقام جراح ارشد سپاهیان کورسیکا (Corsica)، به تولون (Toulon) اعزام گردید. پس از آن مدت کوتاهی در نبرد اسپانیا حضور داشته و سپس در خدمات غیر نظامی فعالیت نموده و برای دوره کوتاهی نیز استاد جراحی مدرسه نظامی وال - دو - گراس (Val-de-Grâce) گردید و بالاخره طی حکمی مسئولیت آمبولانس‌های پرنده ارتش ایتالیا را پذیرفت.

* نویسنده پاسخگو: دکتر مصطفی جابرانصاری

* متخصص جراحی عمومی و اطفال، بیمارستان مهراد

تلفن: 7-88505595

E-mail: ansari_17@yahoo.com



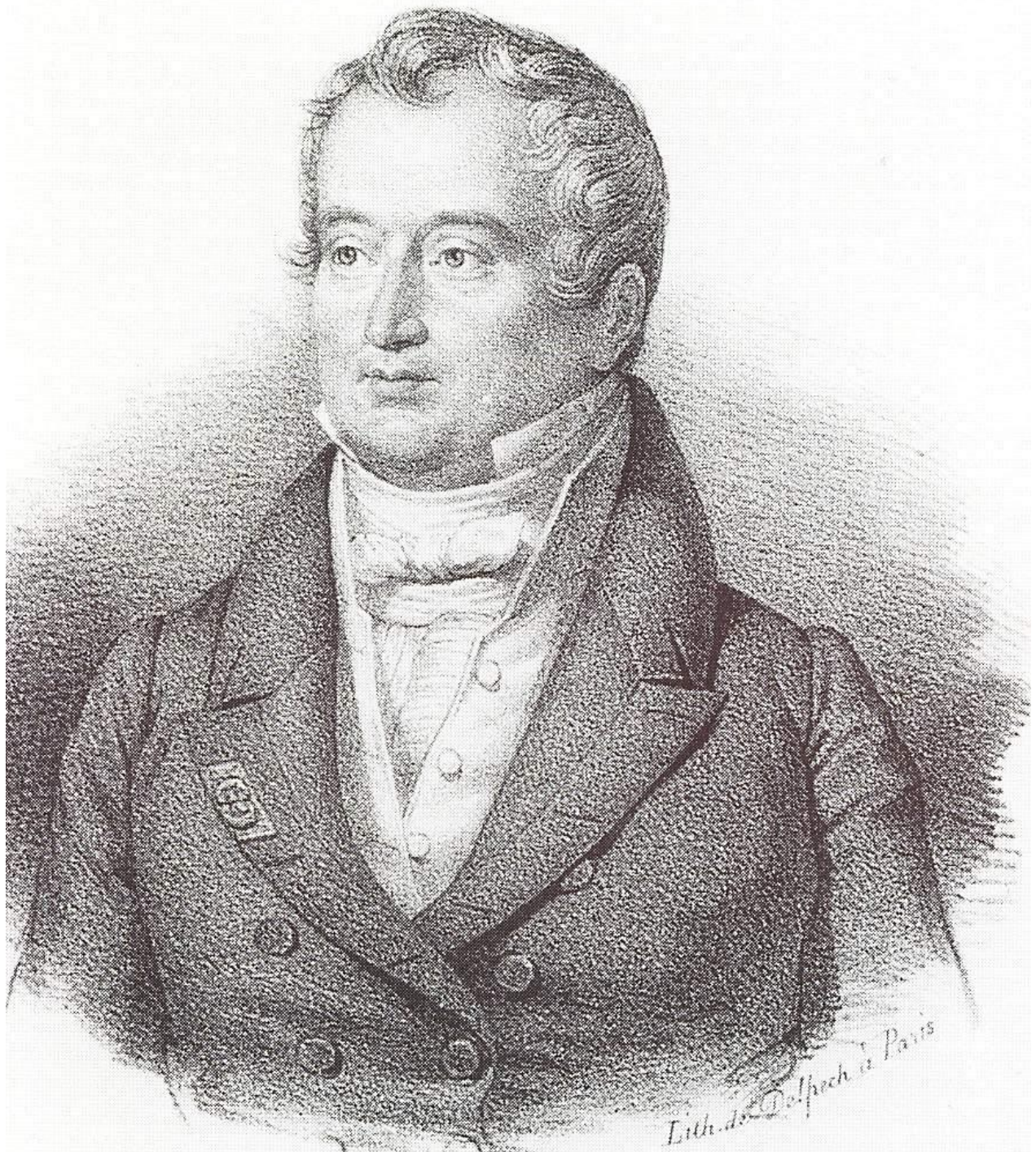
تصویر 1- دومینیک لاری (مجموعه تاریخی کالج پزشکان فیلادلفیا)

در لشگرکشی ناپلئون اول به مصر، فلسطین و سوریه، لری همراه ناپلئون بوده و نخستین فردی بود که به مسری بودن تراخم در کتابی با عنوان Memoire sur L'ophthalmie Regnante En Egypte (1802 میلادی) اشاره نمود. در سال 1805 میلادی

لری به ریاست بخش جراحی ارتش فرانسه و بازرسی عمومی منصوب شد. سپس جنگ‌های ماجراجویانه به رهبری مستقیم ناپلئون اول شامل جنگ‌های با آلمان، لهستان و عقب نشینی فاجعه‌بار از مسکو به وقوع پیوست. مهارت و استادی لری در جریان این وقایع عیان گشته و همبستگی و همدردی وی با رفقای مجروح و بیمارش جایگاه وی را به میزان فوق العاده‌ای اعتلا بخشید. گفته می‌شود که احترام و محبتی که ناپلئون از لشگریانش دریافت می‌کرد بیشتر از احترام و محبتی که نثار لری می‌شد، نبود. در سال 1810 میلادی ناپلئون نشان لژیون دو نور فرماندهی را به لری اعطا و وی را ملقب به لقب بارون (Baron) نمود. در سال 1812 میلادی به مقام جراح ارشد و مسئول ارتش بزرگ (Grand Armée) برگزیده شد. دروس بسیاری که لری از تجربیات نظامی‌اش آموخته بود، برای همکاران جراح در مجموعه پنج جلدی معروفش باعنوان (1812-1817 میلادی) *Memoires De Chirurgie Militaire, Et Campagnes* به یادگار مانده است. در این مجموعه، لری یکی از نخستین افرادی بود که اثرات درمانی، کرم حشرات بر زخم‌ها را توصیف نموده و جزئیات انجام یکی از اولین آمپوتاسیون‌های موفق مفصل هیپ (ران) را تشریح کرد (1812 میلادی). لری در 25 عملیات نظامی، 60 نبرد و بیش از 400 درگیری و زد و خورد مشارکت داشته است. لری یکی از معدود افرادی بود که حتی پس از کناره‌گیری و استعفای ناپلئون نیز همچنان در کنار وی باقی ماند و به هنگام بازگشت ناپلئون از تبعید اول منتظرش بود (1815 میلادی). عاقبت در جنگ واترلو مورد اصابت گلوله قرار گرفت و همراهانش به تصور این که جان باخته است، رهایش کردند و لری توسط پروسی‌ها به اسارت گرفته شد و محکوم به اعدام گردید؛ ولی مورد شناسایی واقع شده و وی را به حضور گبارد بلوخر (Gebhard Blucher، 1742 - 1819 میلادی) فرمانده نیروهای پروسی آوردند. پسر بلوخر قبلاً به اسارت نیروهای فرانسوی درآمده بود و لری تمامی تلاش خود را بکار برده و زندگی مرد جوان را نجات داد. در پاسخ به این اقدام، بلوخر هم حکم لری را تغییر داده و چند محافظ در اختیار وی قرار داد تا وی را تا بلژیک و سپس آزادی مشایعت نمایند. با بازگشت پادشاهی، لری خود را تنها و سرخورده یافت؛ اگرچه اعتبار و شهرتش بخاطر شجاعت و انسانیت همچنان پابرجا بود. با وجود این وی به نگارش ادامه داده و رساله برجسته‌ای درباره جراحی نظامی با عنوان: *Clinique Chirurgicale, Exercée - Particulierement Dans les Camps Et Les Hôpitaux Militaires Depuis 1792 - Jusqu'en 1829* (1829 - 1836) تألیف نمود. رساله *Clinique Chirurgicale* جامع‌ترین رساله جراحی وی بوده و تنها اثر وی بود که با تصاویر متعددی همراه بود. آمپوتاسیون مفصل شانه، تب زرد مدیترانه‌ای و لیگاتور کردن شریان فمورال بلافاصله زیر لیگامان پوپار (Poupart) با نام لری مرتبط می‌باشند.

دوره دوم جراحی پیش از لیستر فرانسه در قرن نوزدهم در حول و حوش زندگی حرفه‌ای گیوم دپوئیترن (Guillaume Dupuytren، 1777-1835 میلادی) متمرکز است. اعتبار و وجهه دپوئیترن در اثر شخصیت پرخاش جویش و بی‌تفاوتی مشهورش در قبال رفاه و آسایش اساتید و همکارانش کاهش یافته بود. وی در روستای پیر - بوفار (Pierre - Bouffière) به دنیا آمد و فرزند یک وکیل دائماً در حال مبارزه بود. در اوایل کودکی‌اش هیچ نکته‌ای که نشان دهنده توانایی و قابلیت‌های فوق‌العاده آموزشی وی باشد، وجود نداشت. در سال 1793 میلادی پدرش مجبور شد ساخت تا در کلاس‌های دانشکده پزشکی - جراحی بیمارستان سنت الکسیس (St. Alexis Hospital) در لیموژ (Limoges) شرکت کند و با اقتدار حکم کرد که وی باید به حرفه جراحی بپردازد. دپوئیترن خواسته‌های پدرش را برآورده نمود. ولی تصمیم گرفت تا تحصیلاتش را در پاریس ادامه دهد. وی استعداد فوق‌العاده‌ای در کالبد شکافی‌های آناتومیک داشته و در امتحان ورودی آکادمی پزشکی (Academy of Medicine) شرکت نموده و به مقام دیسکتور (تشریح کننده اجساد جهت تدریس آناتومی عملی) آکادمی پزشکی دست یافت.

در سال 1801 میلادی دپوئیترن به ریاست دپارتمان آناتومی رسید. در همان زمان و باز از طریق شرکت در آزمون ورودی (کنکور) به مقام جراح دوم (Second Surgeon) هتل دیو (Dieu) دست یافت. در سال 1808 میلادی دپوئیترن رئیس دپارتمان جراحی بوده و چهار سال بعد جهت کرسی جراحی عملی برگزیده شد و در سال 1815 میلادی به مقام جراح ارشد و مسئول هتل دیو نائل گردید. در مقام استاد جراحی دانشکده پزشکی، دپوئیترن استادی برجسته و ممتاز برای هم نسلانش بود.



تصویر 2- گیوم دپوئیرون (مجموعه تاریخی کالج پزشکان فیلادلفیا)

وی شخصیتی وسواسی - اجباری و بدون گذشت و اغماض داشته و در هر اقدامی از جمله اعمال جراحی کمال گرای مطلق بود. با وجود تمام موفقیت‌ها و دستاوردها و وجهه و اعتباری که از آنها ناشی می‌شد، دپوئیرون همچنان زندگی ساده و بی‌پیرایه‌ای داشته و شخصیتی متکبر، خودبین، خشک و عبوس، حسابگر و مودی باقی ماند. لویی هیجدهم پس از انتخاب دپوئیرون به عنوان جراح شخصی، لقب بارون (Baron) را به وی اعطاء نمود. دپوئیرون به جراحی بیماران فراوانی پرداخته بود؛ به

نحوی که به یکی از ثروتمندترین پزشکان فرانسه بدل شده بود و در زمان درگذشتش همچنان میلیونر بود. وی میزان قابل توجهی از ارثیه‌اش را وقف ایجاد کرسی آناتومی مرضی کرد. مجموعه‌ای دو جلدی درباره جراحی نظامی با عنوان *Traité Théorique Et Pratique Des Blessures Par Armes De Guerre* (1834 میلادی) و کتابی چهار جلدی با عنوان *Lecons Orales De Clinique Chirurgicale* (1832 - 1834 میلادی) از مهمترین آثار مکتوب وی می‌باشند. اکسیزیون موفقیت‌آمیز فک تحتانی برای اولین بار (1812 میلادی)، برخی از نخستین موارد لیگاتور کردن شریان ایلیاک خارجی (1815 میلادی) و شریان سابکلوین (1819 میلادی) و درمان تورتیکولی با برش زیر جلدی عضله استرنوکلیئیدوماستوئید (1822 میلادی) از برجسته‌ترین کارهای بالینی وی می‌باشند. دیپوئیترون اولین جراحی بود که آنوريسم را با تحت فشار قرار دادن (فشردن) با استفاده از وسیله‌ای شبیه تورنیکه با موفقیت درمان نمود (1818 میلادی).

در سال 1828 میلادی دیپوئیترون انتروتوم (*Enterotome*) یا نوعی فورسیس برنده را جهت عمل ایجاد مقعد مصنوعی ابداع نمود و سه سال بعد نوعی عمل جراحی برای درمان پرولیفراسیون ندولر (گرهی) بافت فیبروی فاسیای کف دست (پالمار) که به خم شدگی (کنتراکچر) انگشتان به ویژه انگشتان چهارم و پنجم منجر می‌شود (معروف به کنتراکچر دیپوئیترون) را، توصیف نمود. توصیف شکستگی قسمت تحتانی استخوان نازک نی همراه با دررفتگی مفصل میچ پا (1819 میلادی)، شرح روشنی از پاتولوژی درفتگی مادرزادی مفصل هیپ (ران) (1826 میلادی)، مقاله مفصل و جامعی که به شرح جزئیات آبسه‌های حفره ایلیاک راست می‌پرداخت (1829 میلادی)، بخشی از مهمترین مطالعات بالینی وی می‌باشند. دیپوئیترون در کتاب *Lecons Orales De Clinique Chirurgie* در سال 1832 میلادی سوختگی‌ها را نیز تقسیم‌بندی نمود. آمپوتاسیون بازو از مفصل شانه، آپونوروز کف دست، نوعی هیدروسل دو حفره‌ای (*Bilocular*) که در آن ساک اسکروتوم را پر کرده و از زیر پریوتون به داخل حفره شکم گسترش می‌یابد، نشانه‌های بالینی در دررفتگی مادرزادی مفصل ران (حرکت آزاد سر فمور به بالا و پائین در اثر اعمال کشش)، و احساس ترک خوردگی در اثر اعمال فشار بر روی استخوان در انواع خاصی از سارکوم به نام دیپوئیترون خوانده می‌شوند.

ژاک دلپش (1777 - 1832 میلادی، *Jacques Delpech*) اهل تولوز (*Toulouse*) بوده و تحصیلات پزشکی خود را در مون پلیه (*Montpellier*) به پایان رساند (1801 میلادی). با موفقیت در آزمون استخدامی در مقام استاد جراحی در محل تحصیل سابق خود برگزیده شد (1812 میلادی) و به عنوان استاد و جراح بالینی نامور گردید. در سال 1823 دلپش اولین رینوپلاستی موفق با روش هندی فلپ پیشانی را در فرانسه انجام داد. وی همچنین نخستین فردی بود که با استفاده از گرافت پوستی از گردن اقدام به بازسازی لب تحتانی نمود. دلپش موسسه ارتوپدی بزرگی در مون پلیه بنیاد نهاد و پدر جراحی ارتوپدی فرانسه نامیده می‌شود. در کتاب *Chirurgie Clinique De Montpellier* (1823 میلادی) دلپش اثرات مفید برش تاندون آشیل در درمان کلاب فوت را توصیف کرد. اگرچه دلپش اولین جراحی نبود که اقدام به تنوتومی نماید، ولی توانست اثرات درمانی آن در ناهنجاری‌های ناشی از کنتراکچر را بطور قطعی ثابت نماید. مهمترین کتاب وی مجموعه دو جلدی *De L'Orthomorphie* و اطلس همراه آن بود (1828 میلادی). در این اثر جامع که درباره ناهنجاری‌های استخوان‌ها و مفاصل بود، دلپش توانست ماهیت توپرکلوزی برخی از انواع خاص اسپوندیلیت را اثبات نموده و کارکردهای بیمارستان ارتوپدی خویش را تشریح کند. نوعی آبسه که بصورت ناگهانی ظاهر شده و با نشانه‌های التهابی ناچیزی همراه است و در بیماران شدیداً ناتوان دیده می‌شود، آبسه دلپش خوانده می‌شود. بیمار آشفته حالی که به اشتباه تصور می‌کرد که دلپش موجب ناتوانی جنسی وی شده است، دلپش را به قتل رساند.



تصویر 3- تصویر پیانوی ارتوپدی دلپش *Delpech* در مؤسسه ارتوپدی خود در مون پایه (1828)، دلپش جهت اصلاح دفورمیتی‌های اسکلتی (ستون فقرات) وسایل ابتکاری متعددی را طراحی و ابداع نمود که پیانوی زیر یکی از آنهاست. هنگام نواختن پیانو، از پشت و گردن بیمار حفاظت به عمل آمده و تحت کشش قرار می‌گیرند. پرنده بزرگ نیز یک اثر هنری ظریف و زیبا است (شرکت جرمی نورمن و همکاران)

ژان مارژولین (1780 - 1850 میلادی، Jean Marjolin) در ری - سور - سائون (Ray-Sur- Saone) به دنیا آمد و جراحی را در پاریس آموخت. از سال 1801 میلادی تا 1809 میلادی از طریق شرکت در کنکورهای مختلف، درجات متعدد جراحی را طی کرد. در سال 1806 میلادی به مقام دیسکتور اجساد در دانشکده پزشکی پاریس انتخاب شد. ده سال بعد به عنوان جراح دوم هتل دیو برگزیده شد. ولی به علت روابط مشاجره آمیز با دیپوئترین پس از مدت کوتاهی از این مقام کناره گیری کرد. در سال 1819 میلادی هنگامی که در مقام جراح پادشاه خدمت می کرد، به استادی کرسی پاتولوژی جراحی منصوب گردید. بعدها به مقام جراح ارشد و مسئول بیمارستان بوژون (Beaujon) رسید. زخمهای زگیلی شکل بدخیم که در بافتهای جوشگاهی (سیکاتریس) و یا حاشیه اپی تلیال زخمهای مزمن و خوش خیم رخ می دهند به زخمهای مارژولین معروف می باشند.

فیلیبر رو (1780 - 1854 میلادی، Philibert Roux) جانشین بیضا (Bichat) که استادش بود، گردید. رو در سال 1810 میلادی جراح بیمارستان شاریته (Charité) و در سال 1820 میلادی به مقام استادی جراحی دانشکده پزشکی رسید و در سال 1835 میلادی، جانشین دیپوئترین در هتل دیو گردید. مهمترین اثر مکتوب وی کتاب دو جلدی: Quarante Années De Pratique Chirurgicale (1844 - 1855 میلادی) بود. در سال 1819 میلادی رو اقدام به استافیورافی (Staphyloorrhaphy) (ترمیم شکاف کام با جراحی پلاستیک) در یک دانشجوی پزشکی به نام ژان استفانسون (1797 - 1842 میلادی، Stephenson) نمود، که بعدها به عنوان تجربه ای شخصی در بخشی از پایان نامه تحصیلی اش گزارش این عمل را ارائه کرد (1820 میلادی). رو همچنین به خاطر روش خاص خود در رزکسیون استخوان (1830 میلادی) و ترمیم پرینه پاره شده در یک خانم (1832 میلادی) به شهرت رسید. نام رو با متد شکافتن قسمت تحتانی ماگزیلا در خط وسط که برداشتن زبان از طریق جراحی را تسهیل می کند، مرتبط است.

ژیلبر برشه (1784 - 1845 میلادی، Gilbert Breschet) در کلرمون - فران (Clermont - Ferrand) متولد شده و در دانشکده پزشکی پاریس به تحصیل پرداخت (1812 میلادی). در سال 1818 میلادی به مقام جراح اداره مرکزی (سانترال بورو) برگزیده شد و یک سال بعد نیز به عنوان جراح ارشد و مسئول بیمارستان فاوندلینگ (Foundling Hospital) پاریس انتخاب شد. در نهایت برشه به مقام جراح در بیمارستان هتل دیو نائل گشت. با بازنشستگی پیر بکلار (1785 - 1825 میلادی، Pierre Beclard)، نیز برشه استاد آناتومی در محل تحصیل سابق خود، یعنی دانشکده پزشکی پاریس شد. برشه آناتومیست و جراح پاتولوژیست برجسته ای شناخته شده و نام وی به ساختارهای آناتومیک متعددی اطلاق شده است.

در طی دهه 1790 میلادی افرادی به دنیا آمدند که در نهایت جای خالی دیپوئترین را پس از درگذشتش پر کردند. بیشتر این افراد آخرین جراحان جراحی پیش از لیستر و پیش از هوشبری فرانسه بوده اند. ژول کلوک (1790 - 1883 میلادی، Jules Cloquet) اهل پاریس بوده و تحصیلات اولیه خود را در مدرسه ناپلئون (Lycée Napoleon) به انجام رساند. در سال 1807 میلادی جهت تحصیل آناتومی به روئن (Rouen) رفت و دو سال بعد در دانشکده پزشکی زادگاهش پاریس استخدام شد. همچون تمامی جراحان جوان فرانسه بعد از انقلاب، کلوک نیز می بایست سلسله مراتب موجود در سیستم جراحی را با شرکت در آزمونهای متعددی طی می کرد. ابتدا به مقام استادیار جراحی در بیمارستان سنت لویی رسید و سپس پس از قبولی در کنکور اگرگاسیون به استادی دانشکده پزشکی رسید. در سال 1831 میلادی کلوک به مقام استاد پاتولوژی جراحی در بیمارستان کلینیک (Hôpital des Cliniques) منصوب شد و دو سال بعد در مقام صاحب کرسی جراحی بالینی جانشین دوبوآ (Dubois) گردید. مهمترین آثار مکتوب وی عبارت بودند از: کتابی درباره فتق با عنوان Recherches Sur Les Causes et Anatomie De L'Homme اولین اطلس آناتومی بود که با چاپ سنگی (لیتوگرافی) به چاپ رسیده و حاوی 300 تصویر در قطع رحلی بود. نام کلوک به نوعی فتق فمورال که آپونوروز عضله پکتینوس را سوراخ کرده و خود را بین آپونوروز و عضله جای می دهد، مرتبط است.

کلود لالمان (Claude Lallemand، 1790 – 1853 میلادی) اهل متز (Metz) بوده و در دانشکده پزشکی ارتش در همان شهر به تحصیل پرداخت. در سال 1811 میلادی به پاریس عزیمت کرده و دستیار دپوئیترن شد. هشت سال بعد لالمان به مقام استاد جراحی بالینی در مون پلیه برگزیده شد و پس از درگذشت دلپش، لالمان برجسته‌ترین جراح جنوب فرانسه شمرده می‌شد. وی بیشتر به علت تألیف مجموعه سه جلدی با عنوان *Des Pertes Seminales Involontaries* (1836 – 1842 میلادی) که در آن به توصیف وجود ذرات ژلاتینی کوچک که گاهی در مایع منی یافت می‌شود می‌پردازد، شناخته می‌شود.

ژاک لیس فرانک (Jacques Lisfranc، 1790 – 1847 میلادی) در لیون (Lyon) و پاریس تحصیل نموده و مدرک دکترای خود را در سال 1813 میلادی دریافت نمود. وی برای مدت کوتاهی جراح ارتش بود؛ ولی در نهایت برای همیشه در پاریس اقامت گزید. در سال 1825 میلادی لیس فرانک ابتدا جراح دوم لاپیتیه (La Pitie) شده و مدت کوتاهی پس از آن به مقام جراح ارشد نائل آمد. وی عمدتاً به سبب نقشی که در جراحی ارتوپدی داشته است، مشهور می‌باشد. لیس فرانک در مهمترین اثر مکتوبش با عنوان: *Nouvelle Méthode Operatoire Pour L'Amputation Partielle Du Pied Dans Son Articulation Tarso – Metatarsienne* (1815) آمپوتاسیون پا در مفصل تارسو – یتاتارسال را شرح داده که در آن پاشنه پا جهت ساخت فلپ حفظ می‌شود. مفصل تارسو یتاتارسال، لیگامان محکمی که قسمت پائینی سطح خارجی اولین استخوان میخی شکل در مچ پا را به دو سوم تحتانی سطح داخلی قاعده استخوان متاتارس دوم متصل می‌سازد و توبرکول عضله اسکالن قدامی موسوم به نام لیس فرانک می‌باشند.

ژان سیویال (Jean Civiale، 1792 – 1867 میلادی) در خانواده‌ای تنگدست و در تیرزاک (Thierzac) به دنیا آمد. آموزش‌های اولیه او کاملاً مورد غفلت قرار گرفته و مدرک دکترای خود را در سال 1820 اخذ کرد. وی شدیداً به بیماری‌های دستگاه ادراری – تناسلی علاقمند بوده و نخستین کتابش با نام *Nouvelles Considerations Sur la Retention D'Urine* (1823 میلادی) مویده تمایل وی به کسب تخصص در این رشته می‌باشد. کتاب بعدی وی *Sur La Lithotritie* (1826 میلادی) نام داشت که در آن به توصیف ابزاری ابداعی خود، لیتوتریپتور (سنگ شکن، *Lithotripter*) برای خرد کردن سنگ‌های داخل مثانه می‌پردازد. در سال 1828 میلادی دو بخش از بخش‌های بیمارستان نکر (Necker) در پاریس به مطالعات سیویال به ویژه در خصوص سنگ‌های مثانه اختصاص داده شد. کتاب دو جلدی *Traité Pratique Sur Les Maladies Des Organes Genitourinaire* (1837 میلادی) و *Traité Pratique et Historique De La Lithotrite* (1817 میلادی) از دیگر رساله‌های مهم وی می‌باشند.